

<div><div></div><div><div>تلفن: ۰۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۰۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۰۸۸۷۶۹۰۷۵ پیامک: ۰۳۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸ صندوق پستی: ۳۳۸۸-۱۵۸۷۵ امور مشترکین: ۰۸۸۷۴۸۰۰۰</div></div></div> <div><div>چاپ: شرکت چاپ جام‌چم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی چاپخانه همشهری</div><div>سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۸۷ (۰۲۱) انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۰۸۸۵۴۸۸۹۲-۵</div><div>http://irannewsaper.ir</div></div>	
<p>اذان ظهر ۱/۴۹ اذان مغرب ۱۷/۱۵ نیمه شب شرعی ۲۳/۰۶ اذان صبح فردا ۵/۱۷ طلوع آفتاب فردا ۶/۴۴</p>	
<p>امام عسکری(ع): مجادله مکن که احترامت از بین می رود و شوخی مکن که بر تو گستاخ می شوند.</p> <p>سخن روز تحف العقول: ۴۸۶</p>	

	
---------------	--

نگاره	
<div><div>فرهاد آرام راد</div><div></div></div>	



	
---------------	--

هنرمندان در فضای مجازی	
گوهری از آسمان هفتم نجم‌الدین شریعتی، مجری تلویزیون با انتشار کلیپی بانوای حاج مهدی رسولی نوشت: «فاطمه را خواستم معصومه را زائر شدم، فیض قبر مادری از قبر دختر می‌رسد... ببینید و بشنوید و زائر شوید!»	

افشین اعلای نویسنده و شاعر هم در صفحه خود با انتشار تصویری شعری را به آستان پاک حضرت فاطمه معصومه(س) تقدیم کرد: «خدا می‌خواست سلطان وطن تنهار ضا(ع) باشد/ پس از او هم شود پشت و پناه مردم، این بانو/ اگر نالیم هفده قرن، کم باشد در این ماتم/ که تنها بود هفده روز مهمان قم، این بانو...»	
--	--

چهره‌ها	
بیدل پورعطایی ، آهنگساز، نوازنده، سرپرست گروه موسیقی هم در صفحه خود خبر از کسب مقام نخست در چهارمین جشنواره ملی «شمس و مولانا» را داد: «خدا را شاکریم که باز در چهارمین دوره جشنواره ملی شمس و مولانا توانستیم مقام نخست را کسب کنیم. این در حالی است که در چند دوره قبل این جشنواره هم مقام اول را گروه بیدل به دست آورد. از تمام اعضای گروه بیدل نهایت تشکر را دارم که بنده رو همراهی کردن و همچنین برگزارکنندگان جشنواره شمس و مولانا در آذربایجان غربی دیار شمس تبریزی، خوی.»	
محمدعلی چراغعلی هم با انتشار کلیپی از ناصر عبداللهی با شعری از ساناژ صفایی نوشت: «دلنگ دلنگ... آخرین همکاری من یا ناصر عبداللهی عزیز... حیف این صدا واقعا دلنگت دلنگم.»	

تازه‌های نشر	
انتشارات ج که بخش کودک و نوجوان نشر چشمه است کتاب «تاریخ ادبیات داستانی ایران» نوشته سید علی کاشفی خوانساری را منتشر کرده در توضیح این کتاب نوشته است: «به نظر شما صد سال یا ۱۵۰ سال پیش که مردم سوار درشکه می‌شدند و برای خبر دادن به شهرهای دیگر تلگراف می‌فرستادند، داستان‌ها چه شکل و حال و هوایی داشتند؟»	

چه خبر؟	
– یک ماه مانده به اکران عمومی؛ «صحنه‌زنی» به کارگردانی علیرضا صادی، بهرام افشاری خبر از شرکت این فیلم در نوزدهمین جشنواره «چنای» هند داد: «صحنه‌زنی» راهی نوزدهمین جشنواره «چنای» هند شد. نوزدهمین دوره این جشنواره از ۱۶ تا ۲۳ دسامبر ۲۰۲۱ برابر با ۲۵ آذر تا ۲ دی ماه ۱۴۰۰ در شهر چنای هند برگزار می‌شود. پیش از این و در اولین حضور بین‌المللی، فیلم «صحنه‌زنی» برای حضور در هفتاد و پنجمین جشنواره بین‌المللی «سالرنو» ایتالیا انتخاب شده بود.»	
بازیگران این فیلم عبارتند از مهتاب گرامتی، بهرام افشاری، مجید صالحی، لیندا کیانی، پیام احمدی‌نیا، محمد نادری، امید روحانی و حمیدرضا نعیمی.	

– اکران فیلم «گشت ارشاد ۳» هم آغاز شد و سعید سهیلی در مقام کارگردان در صفحه خود نوشت: اکران «گشت ارشاد ۳» از امروز در سینماها آغاز شده و پیش‌بینی می‌شود ساخته جدید سعید سهیلی که در ادامه سری فیلم‌های پر فروش «گشت ارشاد» ساخته شده، باعث رونق دوباره سالن‌های سینما شود. در این فیلم ساعد سهیلی، پولاد کیمیایی، امیر جعفری، بهنام بانی و میرطاهر مظلومی بازی دارند.	
--	--

نگرگس آبیار: داستان مادرانی که فرزندانشان از جنگ برگشتند، جهانشمول است	
در شرایط جنگی روی دیگری از زندگی عیان می‌شود که در شرایط عادی کمتر به چشم می‌آید، از این جهت جنگ برای من فیلمساز همواره مایه درنگ و تفکر است و می‌خواهم در فیلم‌هایم آن را روایت کنم. جنگ ایران و عراق با توجه به‌مدت مدید و سال‌های طولانی آن هنوز قصه‌های نشنیده و داستان‌های ناگفته زیادی برای روایت دارد، این داستان‌ها به نوعی جهانشمولند و برای هر کشور و سرزمینی که جنگ را تجربه کرده باشد، ملموس و باور پذیر. داستان مادرانی که فرزندانشان هرگز از جنگ بازنگشته‌اند بین تمام تجربه‌های جنگی بشری مشترک است. جنگ برای برخی زنان هنوز تمام نشده، بیش از سی سال از جنگ ایران می‌گذرد اما هنوز که هنوز است مادران زیادی چشم انتظار فرزندان خویشند.	
<div><div></div><div><div>بخشی از سخنان فیلمساز ایرانی در میزگرد روایت تجارب زنان از مناطق جنگی در دانشگاه یورگکتانادارایبستا</div></div></div>	

	
---------------	--

	
---------------	--

موزه‌ها به مثابه قطب فرهنگی

بی شک موزه‌ها می‌توانند در کشور ما هم مثل سایر موزه‌های دنیا حال مردم را در شرایط پاندمی کرونا خوب کنند. ما همه موزه‌ها را با یک چوب می‌زنیم و توقع داریم همه موزه‌ها با معیارهای گردشگری پربازدید باشند و این امر غلطی است. به همین علت می‌گوییم موزه‌های ما مخاطب ندارند. باید موزه‌ها را رده‌بندی کنیم. موزه‌های تخصصی و دانشگاهی چندان موضوع گردشگری نیستند. برخی موزه‌ها که برای کلکسیون‌های خاصی ایجاد می‌شوند، با هدف هویتی و پژوهشی

ایجاد می‌شوند.

نکته دوم اینکه خیلی از موزه‌های ما بازدیدکننده دارند. کاخ موزه‌های تهران مثل سعدآباد، گلستان، نیاوران و موزه ملی را به نسبت خودشان اگر در نظر بگیریم مخاطب دارند. برخی موزه‌ها هم که برند جهانی دارند مثل موزه آیگینه برای مخاطب خارجی جذابیت دارد. قبل از کرونا بازدیدکنندگان موزه‌هایی مثل آیگینه بیش از موزه‌های دیگر بود. مثل هر فیلم سینمایی و محصول فرهنگی سلیقه‌ها فرق می‌کند. آدم‌ها هم با سلیقه‌های متنوع موزه‌های متنوع می‌پسندند. یکی دوست دارد عمارت چهل‌ستون در اصفهان را ببیند یکی هم دوست دارد موزه هنرهای تزئینی را ببیند. برای همین نمی‌توان گفت که موزه‌های ما مخاطب ندارند. بخشی از موضوع پیش از اینکه به مردم برگردد به خود موزه‌های ما برمی‌گردد. موزه‌های ما تک محصول هستند یعنی زمانی به یک شکلی استتار شده‌اند و همانطور هم مانده‌اند. توقع داریم مردم با این همه تغییر سلیقه از همان موزه‌ای که ۸۰ سال پیش ایجاد شده، همیشه یکسان لذت ببرند. در حالی که ما با تنوعی از مخاطب سر و کار داریم. مثلاً وقتی امروز با پاندمی کرونا مواجهیم و بخش سلامت جامعه مطرح است، نقشی که موزه‌ها

می‌توانند در سلامت اجتماعی و فرهنگی و روحی روانی ایفا کنند.

یعنی محل تنفس و آرامش و تمرکز و فراغت ذهنی مردم باشند.

این اتفاق با ایجاد رویدادها و فعالیت‌ها و تولیدات فرهنگی در موزه‌ها اتفاق می‌افتد. موزه‌ها به مثابه قطب فرهنگی برای ایجاد

جاذبه باید رویدادسازی کنند. فعالیت‌های متنوع ایجاد کنند تا مخاطب از آن لذت ببرد. افرادی که موزه‌های ما دارند این است

که با این هدف به موزه‌های ما نگاه نمی‌شود و شرایط و بستر لازم

برای اینکه موزه‌های ما رویدادمحور و مرکز پویایی باشند ایجاد

نمی‌شود.

در بحث موزه درمانی قرار است که موزه‌ها نقش مکملی برای

کمک به سلامت کامل داشته باشند. هم سلامت فردی و هم

جمعی. در دوره پاندمی از خسارت‌های پاندمی به مراکز فرهنگی

صحت می‌کنیم اما هیچگاه نمی‌گوییم این مراکز فرهنگی چه

کمکی برای عبور از پاندمی می‌توانند بکنند؟ همه می‌دانند که این

پاندمی عوارض روحی روانی اجتماعی در جامعه ایجاد کرده است

و موزه‌ها با استفاده از منابع هنری زیبا حال خوبی ایجاد می‌کنند.

با با دیدن منابع تاریخی می‌فهمیم همیشه در هر برهه‌ای بشر با

بحران روبه‌رو بوده است یا تذکر موضوعات انسانی برای همدردی

کمک می‌کند که نقش دیگری ایجاد شود. موزه فقط محل تماشا

نیست. متولیان موزه و سیاستگذاران موزه‌ها را با نگاه چندوجهی

که محل تعامل، دادوستد و رویدادسازی و پویایی است نمی‌بینند

و موزه‌ها، امکانات و بودجه و نیروی انسانی متخصص برای

رویدادسازی ندارند.

اگر به موزه‌گردی به‌عنوان یک عمل اجتماعی که به بهبود حال

جامعه کمک می‌کند نگاه کنیم برای این کار نیازمند یک همت و

شبکه‌سازی و پشتیبانی هستیم. در حالی که ما فکر می‌کنیم موزه

یک ساختمان و در و دیوار است و همه باید آن را ببینند. مردم به

برنامه نیاز دارند؛ نیاز به نمایشگاه، تکنولوژی و راهنما و توریسم که

به بهبود حال عمومی جامعه کمک کند.

شکستن مرزهای معلولیت

از ابتدای به وجود آمدن بشر در دنیا انسان‌هایی به دنیا آمده‌اند که به دلایل مختلف از جمله ژنتیکی، تصادفات یا بیماری‌ها، در یک یا چند عضو بدنشان دارای معلولیت شده‌اند و توان استفاده از آن عضو را ندارند یا بهتر بگوییم آن عضو بدن برای آنها کارایی یک

عضو سالم را ندارد.

این افراد به‌دلیل تفاوت ظاهری که با دیگر انسان‌ها از جمله دوستان، آشنایان و افراد اطرافشان دارند و همچنین محدودیت در عملکردهای جسمی، سرعت انجام کارها و فعالیت‌های مختلف و روزانه برای آنها با دیگر انسان‌ها بدون این محدودیت‌ها، متفاوت است ولی این مسأله گویای عدم توانمندی آنها در انجام آن کار و فعالیت نیست، اما متأسفانه دید عموم مردم حتی در گذشته نه چندان دور و حتی هم اکنون نسبت به عملکرد این افراد در فعالیت‌هایشان تغییرات زیادی نداشته است و این موضوع در شرایط استخدامی‌های شغلی، ازدواج، دوستی‌ها و غیره خود را نشان می‌دهد.

در سال‌های اخیر فعالیت‌های هنری که توسط افراد با محدودیت جسمی صورت گرفته باعث شده موج عظیمی در دیدگاه مردم و حتی استادان و مدیران نسبت به این افراد ایجاد شود که می‌توان گفت هنر توانسته تغییر شگرفی در کیفیت زندگی افراد معلول ایجاد کند.

هنر در ذات خود آرامش، خلاقیت، حس کارآمدی، انتقال زیبایی، انتقال معانی ذهنی خالقش و غیره را دارد به همین واسطه وقتی شاخه‌های هنری توسط افراد معلول (انسان‌های با محدودیت عملکرد جسمی) به کار برده می‌شوند هم بر روح و روان خود آنها تأثیرات مثبتی می‌گذارد و هم رسالت به نمایش گذاردن توانمندی این افراد به بیننده را بخوبی ایفا می‌کنند. به طور مثال وقتی یک فرد با معلولیت از ناحیه چشم و محدودیت حس بینایی که یکی از حواس پنجگانه انسان است به فعالیت و خلق آثار هنری مثلاً موسیقی یا نویسندگی می‌پردازد، از طرفی مهارت‌ها و حس‌های دیگر خود را تقویت می‌کند و از طرفی به کشف استعداد خود پرداخته است، یا مثلاً فردی که از ناحیه دست دچار معلولیت است از پاهای خود برای خلق تابلوهای نقاشی استفاده می‌کند یا افرادی با معلولیت در ناحیه پا با به‌کارگیری دستهایشان به خلق آثار بسیار زیبایی از بافت فرش و گلیم، نقاشی، منبت‌کاری و غیره می‌پردازند بخوبی به دیگران یادآور می‌شوند که هنر در ذات وجودی انسان‌ها نهفته است و فقط باید از طریق شناخت درست خود به کشف آن پرداخته و با تقویت دیگر اعضای بدن و کسب مهارت‌های عملی این استعداد را در قالب یک اثر هنری به نمایش بیرونی منتقل کنند.

یادداشت	
<div><div></div><div><div>راحله فاضلی</div><div>مترجم</div></div></div>	

می‌خواهم برایشان از یک تجربه متفاوت بنویسم؛ ترجمه یک رمان نوجوان به‌نام «دیدار در کهکشان» نوشته «جک چنگ»، همان‌طور که از اسم نویسنده هم معلوم است، چنگ متولد شانگهای اما بزرگ شده میشیگان است و ملیت آمریکایی دارد. او سال ۱۹۸۳ در چین به دنیا آمده و بعدها به آمریکا مهاجرت کرده. چنگ، برنده جایزه کایت طلایی است و «این روزها» نخستین کتابی بود که منتشر کرد.

او در سال ۲۰۱۷ رمان دیدار در کهکشان را به چاپ رساند؛ یک رمان بسیار جذاب و خواندنی که زمین نمی‌گذارد، رمانی که در هر سن و سالی باشید می‌توانید از خواندنش لذت ببرید و با شخصیت‌هایش همراه شوید. شخصیت اصلی این رمان، الکس پتروسکی است؛ پسری یازده ساله اما خیلی بزرگ‌تر از سنش. الکس عاشق فضاست، عاشق برادرش، مادرش و حیوان خانگی اش که اسم ستاره شناس محبوبش کارل ساگان را روی او گذاشته و همه جا با خودش می‌برد. الکس یک آی پد طلایی رنگ دارد و به‌طور منظم صدایش را ضبط می‌کند و گزارش‌هایی می‌دهد. برای موجوداتی که در سایر سیارات زندگی می‌کنند، او می‌خواهد این گزارش‌ها را با آی پدش به فضا بفرستد، یعنی همان کاری را بکند که کارل ساگان انجام داده. الکس سفری طولانی آغاز می‌کند؛ از کلرادو تا نیومکزیکو، از لاس وگاس تا لس آنجلس. این سفر هم او را به اطرافیانش نزدیک‌تر می‌کند هم به شناخت بهتری از خودش می‌رسد. شخصیت او طوری است که

نمی‌شود دوستش نداشت. نگاهش به زندگی و تعریفی که از دنیا دارد روی همه تأثیر می‌گذارد. با خواندن این رمان، وارد دنیای متفاوت الکس می‌شوید و ماجرایش را دنبال می‌کنید. فرقی نمی‌کند چندساله باشید، همسفر او می‌شوید و تا پایان همراهش می‌مانید.
دیدار در کهکشان
جک چنگ
نشر هیرمند

	
---------------	--

عکس نوشت	
مراسم تشییع و خاکسپاری حاج حبیب سنگتراش از رزمندگان هشت سال دفاع مقدس و از مدیران خوشنام عرصه فرهنگ و رسانه، روز چهارشنبه ۲۶ آبان ماه در قطعه نام آوران بهشت زهرا(س) برگزار شد. زنده یاد سنگتراش در طی حیات خود ریاست جهاد دانشگاهی تربیت معلم، مدیرکل اداری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، عضویت در سپاه قدس، مسئولیت در خبرگزاری منطقه‌ای جنوب شرق آسیای ایرنا، مسئولیت‌های متعدد در دانشگاه تربیت معلم، مسئولیت امور بین‌الملل دانشگاه علم و فرهنگ و پارک علوم و فناوری‌های نرم و صنایع فرهنگی جهاد دانشگاهی را برعهده داشت. او روزوشنبه ۲۴آبان‌ماه به قافله‌یاران شهیدش پیوست.	

<div><div></div><div><div>تاشوی چشم و جراح این جهان چون آفتاب پوشش هر تنگدست و فرش هر ویرانه باش بی محبت مگذران عمر عزیز خویش را در بهارن عندلیب و در خزان پروانه باش</div></div></div>	
<div><div></div><div><div>دیوان صائب تبریزی</div></div></div>	

	
---------------	--

	
---------------	--

مراقبت از خویش

«مراقبه نفس» یا «مراقبت از خویشنتن» مرحله‌ای از اخلاق عملی است که سالکان راه خدا را در طریق تقوا و تهذیب نفس یاری می‌رساند تا پیش از آن که فرشتگان الهی مراقب اعمال آنان باشند، خودشان مراقب اعمال‌شان باشند.

مراقبت از درون می‌جوشد و امری درونی است بر این مبنا، تأثیر آن بسیار زیاد و نقش فوق‌العاده مهمی در تهذیب نفس و خودسازی دارد. انسان در حیات دنیایی به کسی می‌ماند که دارای گوهرهای گرانبهایی بوده و ناچار بایستی از یک بازار آشفته عبور کند و در فرصت عبور می‌خواهد با آن گوهرها متاعی برای خود تهیه کند، در حالی که اطرافش را دزدان و شبّادان گرفته‌اند! چنین کسی اگر لحظه‌ای از سرمایه نفیس خویش غافل شود، آن را به غارت می‌برند و او می‌ماند و اندوه و حسرت سرمایه‌ای که از دست رفته است.

آیات‌الله حسن‌زاده املی در این رابطه نقل می‌کند: «در صبح دوشنبه ۲۱ ربیع‌الثانی سال ۱۳۸۹ ه‍. ق بعد از نماز صبح در حال توجه نشسته بودم که واقعه‌ای بسیار شیرین و شگفت برایم پیش آمد. در حالی که به کلی از بدن طبیعی بی‌خبر بودم، خودم را مانند پرنده‌ای که در هوا پرواز می‌کند، می‌دیدم. به فرمان و اراده و همت خودم به هر جا که می‌خواهم می‌روم. تقریباً به هیأت انسان نشسته قرار گرفته بودم و رویم به سوی آسمان بود و به این طرف و آن طرف نگاه می‌کردم، گاهی هم به سوی زمین نظر می‌کردم، در انشای سیر، می‌بینم که درختی در مسیر، پیش رویم است، خودم را بالا کشیدم تا از کنار آن عبور کنم، یعنی خودم را فرمان می‌دادم که این طرف برو، یا آن طرف برو، یا کمی بالاتر یا پایین تر، بدون اینکه با پایم حرکت کنم، بلکه تا اراده من تعلق به طرفی می‌گرفت بدنم در اختیار اراده‌ام به همان سمت می‌رفت. وقتی به سوی مشرق نگاه کردم دیدم آفتاب است که از دور از لای درختان پیداست، فضا هم بسیار صاف بود. تا از آن حالت به در آمده‌ام. خیلی از این موضوع لذت بردم. در اوایل که با توجه می‌نشستم خیلی دیر حالت انتقال دست می‌داد، چه بسیار که حدود یک ساعت و بیشتر به توجّه می‌نشستم، لکن ارتباط و انتقال و خلع حاصل نمی‌شد. در این اوان به فضل الهی که به توجّه می‌نشینم زود منتقل می‌شوم. الحمدلله رب العالمین. پوشیده نماند که هر چه مراقبت قوی‌تر باشد، اثر حال توجه بیشتر و لذیذتر و اوضاع و احوالی که پیش می‌آید صافتر است.»

شیاطین جَنّ و انس در این جهان انسان را احاطه کرده‌اند و هوّی و هوس‌های درون، او را به سوی خود می‌خوانند، اگر انسان خویش را به خدا نسپارد و مراقب اعمال خویش نباشد، سرمایه ایمان و تقوای او به غارت می‌رود و دست خالی از این جهان به سرای دیگر منتقل خواهد شد.

در آیات قرآن و روایات اسلامی اشارات فراوانی نسبت به این مرحله آمده است از جمله: در آیه ۱۴ سوره علق می‌خوانیم: «الَّذِیْ تَغْلَمُ بِأَنَّ اللَّهَ بِئْرِ؛ آیا انسان نمی‌داند که خدا او و اعمالش را می‌بیند؟» که هم اشاره به مراقبت پروردگار نسبت به اعمال انسان است و هم این که او باید مراقب خویش باشد.

بدیهی است که توجّه به این حقیقت که خداوند در همه جا و در هر حال و در هر زمان، ناظر و شاهد مراقب اعمال ماست، روح مراقبت را در ما زنده می‌کند، تا پیوسته مراقب اعمال خویش باشیم. در حدیثی از امیرمؤمنان علی(ع) آمده است که فرمود: «سزاوار است انسان بر خویشنت مسلط و همیشه مراقب قلب خود و نگهدار زبان خویش باشد!» (غرر الحکم)

در حدیثی از امام صادق(ع) چنین نقل شده است: «کسی که مراقب قلبش در برابر غفلت و نفسش در برابر شهوت و غلشش در مقابل جهل باشد، نام او در دفتر بیداران و آگاهان ثبت می‌شود و آن کسی که مراقب عملش از نفوذ هواپرستی و دینش از نفوذ بدعت، و مالش از آلودگی به حرام بوده باشد در زمره صالحان است.» (بحارالانوار، جلد ۶۷، صفحه ۶۸)

	
---------------	--

